

ارزیابی کتب اقتصاد ایران بر اساس اهداف نظام اقتصادی اسلام

وحید مقدم^۱

محمد واعظ برزانی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲۸

چکیده

با گذشت چند دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، تألیف یک کتاب درسی اقتصاد ایران متناسب با ویژگی‌ها و اهداف نظام اقتصاد اسلامی ضرورت دارد. برای شروع این کار می‌توان از بهبود نزدیک‌ترین کتاب به فضای اقتصاد اسلامی استفاده کرد. مقاله حاضر به عنوان گامی اولیه، به نقد محتوایی کتب اقتصاد ایران بر اساس اهداف این نظام می‌پردازد. نتایج تحلیل ۱۴ کتاب اقتصاد ایران نشان داد: (۱) عمده کتاب‌ها با رویکرد بخشی - توصیفی نوشته شده‌اند؛ (۲) کتب تحلیلی اندک بوده و لحن تلخ و ناامید کننده دارند؛ (۳) امتیاز کلی کتب کمتر از نصف است که نشان دهنده وضعیت نامطلوب آنها است؛ (۴) اشتغال و رشد اقتصادی بیشتر از سایر اهداف مورد توجه بوده و حفظ محیط زیست و استقلال اقتصادی کمتر از همه مورد توجه هستند؛ (۵) تنها یک کتاب دارای نظریه متمایز است که آن هم وجه سلبی داشته و مربوط به شرایط قبل از انقلاب یعنی استبداد نفتی شاه است؛ (۶) تمام کتاب‌ها فاقد یک الگوی مفهومی در خصوص اقتصاد ایران هستند؛ به طوری که این الگو نشان دهد اولاً چرخه موجود فعالیت اقتصادی در ایران چگونه است و ثانیاً زمینه‌ها و بسترهای خروج از این چرخه و ورود به یک چرخه متعالی اقتصادی چیست. بدین ترتیب مبنای قرار دادن هیچ کتابی برای تدوین یک کتاب اقتصاد ایران اسلامی مناسب نیست. با مطرح شدن ایده اقتصاد مقاومتی در سال‌های اخیر لازم است تحلیل اقتصاد ایران برخاسته از این زاویه و با استفاده از رویکرد ترکیبی تاریخی - بخشی - نهادی صورت گرفته و کتابی درسی تألیف شود.

واژگان کلیدی: ارزیابی کتب اقتصاد ایران، اهداف نظام اقتصادی اسلام.

طبقه بندی JEL: P00, Y30

۱. عضو هیأت علمی گروه قرآن و معارف اهل بیت دانشگاه اصفهان. vahid_moghaddam@yahoo.com

۲. عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان. mo.vaez1340@gmail.com

مقدمه

هدف از تدریس درس اقتصاد ایران، آشنایی دانشجویان با کاربرد آموزه‌های اقتصاد خرد، کلان و دیگر دروس در تحلیل پدیده‌های اقتصاد ایران است. به عبارت دیگر در این درس دانشجو باید بیاموزد چگونه می‌تواند از آموخته‌های نظری خود برای توصیف، تحلیل و ارائه راه حل برای پدیده‌ها، مسائل و مشکلات اقتصاد ایران بهره ببرد. اگر دروس خرد و کلان برآمده از اقتصاد ایران بودند یا حداقل مشحون از مثال‌های اقتصاد ایران بودند، شاید نیاز چندانی به این درس وجود نداشت.

مشابه همین وضعیت در زمینه آموزش اقتصاد اسلامی نیز قابل مشاهده است، چرا که کتب اقتصاد اسلامی - به استثناء بحث بانکداری - چندان به واقعیات و شواهد واقعی نظر ندارند. لذا لازم است کتابی تألیف شود که کاربرد این نظریه‌ها و آموزه‌ها را در اقتصاد ایران نشان دهد. ضرورت دیگر تألیف این کتاب، تأثیری است که پارادایم انتخابی تحلیل و سیاست‌های تجویزی برخاسته از آن بر نظام اقتصادی می‌گذارد. نظام اقتصادی ایران از کارکردهای سنتی و گذشته خود خارج شده و رو به سوی دیگری دارد. اما این که به کدام سمت و سو برود بستگی تامی به زاویه تحلیل دارد. طبق آموزه‌های اقتصاد تکاملی^۱، اگر از منظر سرمایه‌داری به اقتصاد نگاه کرده، راه حل ارائه داده و اجرا کنیم در نهایت کم و بیش نظام سرمایه‌داری حاکم خواهد شد.

یکی از آرمان‌های برآمده از انقلاب اسلامی ایجاد یک نظام اسلامی تمام عیار، از جمله در حوزه اقتصاد که از آن تعبیر به نظام اقتصاد اسلامی می‌شود، است. برای این کار لازم است زاویه تحلیل‌ها و اجرای سیاست‌ها و تأسیس نهادها، اسلامی شود؛ مثلاً سیاست‌ها از منظر شرعی (مانند غرر، ربا، ضرر) مورد تحلیل قرار گیرد، نهادهای مدرن موجود، مانند بانک و بیمه، اسلامی شده یا نهادهای اسلامی جایگزین تأسیس شوند و تاریخ تحلیل اقتصادی از منظر عبرت‌هایش برای آینده تدوین شود.

اسلام آموزه‌های اقتصادی گوناگون اخلاقی، اعتقادی و رفتاری دارد و این آموزه‌ها در سطوح مختلفی همچون نظام، مکتب، اخلاق، دانش و حقوق قرار دارند. این سطوح خود دارای بخش‌های متفاوتی هستند؛ مثلاً یک نظام دارای منابع، شرکت کنندگان، فرایندها و نهادها^۲ (هالسوسکی، ۱۹۷۷ به نقل از میرمعزی، ۱۳۸۰) بوده و برای رسیدن به هدف یا اهداف خاصی فعالیت می‌کند؛ دانش دارای پارادایم، روش‌شناسی، پیش‌فرض‌ها، نظریه‌ها، و مانند آن است. اگر بخواهیم یک کتاب اقتصاد ایران از منظر اسلامی^۲ تدوین کنیم که تمام این ملاحظات را در بر داشته باشد، اثری

1. Evolutionary Economics

۲. از این پس، کتاب اقتصاد ایران اسلامی.

پرحجم می‌شود. اما از آنجا که منظور از اقتصاد ایران، نظام اقتصاد ایران است، تألیف چنین کتابی، باید از منظر نظام اقتصادی صورت پذیرد.

برای تحلیل یک نظام اقتصادی معمولاً چهار رویکرد اصلی تاریخی، بخشی، تحلیل سیاست‌ها و نهادی وجود دارد. پژوهشگری ممکن است نظام را در تاریخ پرفراز و نشیب‌اش مورد مطالعه قرار دهد، یا عملکرد بخش‌های مختلف آن را تحلیل کند، یا سیاست‌های اقتصادی اجرا شده را مورد ارزیابی قرار دهد، یا نهادهای اقتصادی و نظام حاکمیتی آن را بررسی کند، یا تنها میزان موفقیت یک نظام در رسیدن به اهدافش را مورد بررسی قرار دهد. این ملاحظات باعث می‌شود یک الگوی اولیه ساده برای تدوین یک کتاب اقتصاد ایران اسلامی نیازمند پیمودن گام‌های ذیل باشد:

(الف) با توجه به تعدد رویکردها در تحلیل یک نظام اقتصادی، این کتاب قرار است با چه رویکردی تألیف شود؟ تاریخی، نهادی، بخشی، تحلیل سیاست‌ها، تحلیل موانع توسعه یا پیشرفت.
 (ب) استخراج آموزه‌های اسلام و اندیشه بشری اسلام در زمینه این رویکرد. مثلاً مهم‌ترین ویژگی رویکرد تاریخی ارائه عبرت‌ها برای آینده و فراهم آوردن زمینه‌های نظریه‌پردازی است.
 (ج) جمع‌آوری کتب اقتصاد ایران که با این رویکرد نوشته شده و نقد آنها با ملاحظات گردآوری شده در گام ب.

(د) تعیین نقاط قوت و ضعف کتب مذکور و تلاش برای تدوین کتابی مقدماتی که بیشترین قرابت را با آموزه‌های اسلامی داشته باشد.

(ه) در معرض نقد مداوم قرار دادن این کتاب با هدف تقویت آن.

مطالعه حاضر به دنبال شناخت قابلیت‌های این الگو برای تدوین یک متن مطلوب اقتصاد ایران است. برای این کار در ابتدا باید کتب اقتصاد ایران را جمع‌آوری کرده و سپس با تعیین رویکرد هر کتاب، میزان دخیل بودن ملاحظات و ارزش‌های اسلامی در تدوین هر یک را بررسی کرد. به علت محدودیت حجم یک مقاله، در این پژوهش تنها اهداف و غایات نظام اقتصاد اسلامی مد نظر قرار می‌گیرد. اهمیت غایت یک نظام به حدی است که دو نظام اقتصادی مشابه اگر غایات متفاوتی برای خود تعریف کنند، در طول زمان به تدریج از یکدیگر متفاوت شده و نهادهای مختلفی ایجاد خواهند کرد. البته این امکان نیز وجود دارد که دو نظام اهداف یکسانی داشته باشند، اما از نهادهای متفاوتی بهره ببرند. لذا پژوهش لازم دیگر، تحلیل کتب اقتصاد ایران از منظر نهادهای اقتصاد اسلامی است. این گام به غایت دشوارتر است و نیازمند کارهای پژوهشی عمیق و مستمر است.

به طور خلاصه، مقاله حاضر به عنوان گامی ابتدایی در زمینه تدوین یک متن مطلوب اقتصاد ایران اسلامی، تلاش می‌کند کتب اقتصاد ایران را از منظر اهداف اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار دهد. برای این کار در بخش‌های بعد به ترتیب اهداف نظام اقتصادی اسلامی بیان شده، جامعه

آماري توضیح داده شده و داده‌ها گردآوری و تحلیل خواهند شد. در نهایت نتیجه گیری و پیشنهادات مقاله آورده خواهد شد.

اهداف نظام اقتصادی اسلام

یکی از ویژگی‌های اصلی هر نظامی اهدافی است که نظام برای رسیدن به آنها طراحی شده است، یعنی اموری که نظام در کلیت، و اجزای آن در جزئیات، برای دستیابی به آنها سازماندهی و طراحی شده‌اند. نظام اقتصادی نیز به عنوان یکی از اجزای اصلی نظام اجتماعی دارای اهدافی است. به همین ترتیب نظام اقتصادی اسلام نیز دارای اهدافی است که در برخی از ابعاد متفاوت از سایر نظام‌های اقتصادی خواهد بود و برای شناسایی آنها مطالعات مختلفی انجام شده است.

میرمعزی (۱۳۷۸) اهداف زیر را برای نظام اقتصاددیرمی‌شمرد: رفاه عمومی یا رفاه مصرف کننده؛ عدالت توزیعی؛ رشد اقتصادی؛ کارایی اقتصادی؛ اشتغال کامل؛ ثبات قیمت‌ها؛ حفظ محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی؛ آموزش و سلامتی مردم. وی معتقد است: «این اهداف در یک رتبه قرار ندارند. در نظام سرمایه‌داری، رفاه با مفهوم خاصی هدف غایی است. رشد و عدالت توزیعی (در شرایط ویژه)، اهداف میانی هستند یعنی از آن جهت که در رفاه مؤثرند، هدف قرار می‌گیرند. و بالاخره کارایی، اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها، حفظ محیط زیست و آموزش و سلامتی مردم، اهداف قریب اقتصادی هستند که مستقیماً هدف سیاست‌های اقتصادی قرار می‌گیرند و از آن جهت که بر رشد و عدالت توزیعی مؤثرند، مطلوبند» (۱۳۷۸).

با این وجود به نظر می‌رسد اگر قرار باشد یک هدف اصلی برای نظام سرمایه‌داری برشماریم، آن رشد اقتصادی است. آدام اسمیت، پدر علم اقتصاد، کتاب معروف خود را تحقیقی در باب ماهیت و علل ثروت ملل نام نهاد و برای حداکثرسازی ثروت جامعه، تقسیم کار و تخصصی شدن شغل‌ها، توسعه تجارت، امنیت سرمایه و مانند آن را پیشنهاد می‌کند. رشد اصلی‌ترین هدف است و تمام ابزارها و نهادهای تأمین کننده آن مورد تأکید قرار می‌گیرند. نگاهی به کتب اقتصاد کلان پیشرفته نیز مؤید این مطالب است چرا که در آنها مبحث الگوهای رشد از اهمیت خاصی برخوردار می‌شوند.^۱ به همین ترتیب چستی اهداف نظام اقتصادی اسلام و رتبه‌بندی آنها به هدف غایی، میانی و قریب نیز موضوعی مطرح است که در زمینه آن مطالعات مختلفی انجام شده است. کتاب میانی اقتصاد اسلامی، به عنوان اثری پیشرو در این زمینه، اقتصاد اسلامی را دارای اهداف فراوانی می‌داند که برخی از آنها اخلاقی و برخی دیگر اجتماعی است و مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: حاکمیت سیاسی اسلام؛ تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی؛ برپایی عدالت اجتماعی؛ عدم وابستگی اقتصادی؛

۱. برای مثال اولین فصل کتاب اقتصاد کلان پیشرفته نوشته رومر (۲۰۱۲)، الگوی رشد سولو است.

خودکفایی و اقتدار اقتصادی؛ توسعه و رشد؛ و رفاه عمومی. «اهداف مذکور همه در عرض هم نیستند؛ بلکه برخی از آنها با حفظ برخی دیگر هدف قرار می‌گیرند، مثلاً سه هدف آخر به این شرط مطلوب‌اند که لطمه‌ای به چهار هدف اول نزنند» (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹: ۱۹۳). البته نویسندگان اذعان می‌کنند که دو هدف اول اقتصادی نیستند، اما نظام‌های اسلامی تأمین اهداف مختلفی از جمله اهداف اخلاقی و ارزشی را بر عهده دارند.

مطالعات برخی دیگر تنها به اهداف اقتصادی نظر داشته و لذا تنها چهار مورد را بر شمرده‌اند: عدالت اقتصادی، که رفاه عمومی و تعدیل ثروت را از لوازم عدالت اقتصادی دانسته‌اند؛ قدرت اقتصادی؛ رشد اقتصادی و استقلال اقتصادی (سیدنژاد، ۱۳۹۰: ۲۱).

میرمعزی (۱۳۷۸) اهداف اقتصادی را به سه دسته غایی، میانی و قریب تقسیم کرده و معتقد است در بینش لیبرال - سرمایه‌داری، عدالت اقتصادی اهمیت ندارد و رشد اقتصادی برتر از آن شمرده می‌شود در حالی که در بینش اسلامی رشد در مرتبه‌ای پس از عدالت قرار دارد. وی در مطالعه‌ای دیگر بیان می‌کند که از دیدگاه امام خمینی اقتصاد هدف نیست بلکه خود وسیله است (میرمعزی، ۱۳۸۱). این نکته منافاتی با هدف‌دار بودن نظام اقتصادی ندارد.

فراهانی‌فرد (۱۳۸۵)، هدف غایی سیاست‌های اقتصادی را تربیت و هدایت مردم؛ اهداف میانی را عدالت اقتصادی، استقلال سیاسی و اقتصادی، برقراری امنیت اقتصادی و رفاه عمومی؛ و اهداف جاری را تثبیت اقتصادی (شامل ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها، ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها، و رشد اقتصادی)، توزیع عادلانه و تخصیص منابع می‌داند.

یوسفی (۱۳۸۶: بخش چهارم)، رفاه عمومی را هدف عالی اقتصاد علوی در سطح کلان دانسته و اهداف مقدمی این اقتصاد را به صورت عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی، امنیت اقتصادی و استقلال اقتصادی بر می‌شمارد. اهداف عملیاتی (اهداف قریب) را هم شامل افزایش اشتغال و رفع بیکاری، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها، رفع نابرابری فرصت‌ها، تربیت و تقویت انگیزه‌های اخلاق اقتصادی، جلوگیری از انحصار، پرهیز از رباخواری، جلوگیری از احتکار و ... می‌داند.

میرمعزی (۱۳۹۰)، هدف غایی نظام اقتصادی اسلام را سعادت فرد و جامعه دانسته و عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی و بارور کردن استعداد‌های طبیعت را اهداف میانی می‌داند و برای رسیدن به هر کدام از آنها، اهداف عملیاتی تعریف می‌کند.

دو نقد اساسی بر این مطالعات وارد است: اولاً بطور عمده بدون نقد مطالعات سابق انجام شده‌اند و ثانیاً روش‌مند نیستند، یعنی در هیچ کدام روش استخراج اهداف و مبنای رتبه‌بندی بیان نشده است. لذا لازم است در این زمینه مطالعه مستقل و مبسوطی انجام شود. مطالعه حاضر بدون آن که درصدد نقد این مطالعات برآید، به صورت ذیل آنها را جمع‌بندی می‌کند:

اولاً روشن است که اهداف اقتصاد اسلامی دارای یک درجه از اهمیت نیستند و بعضی مقدمه رسیدن به بعض دیگرند. لذا تقسیم‌بندی اهداف یک نظام اقتصاد اسلامی به سه دسته غایی، میانی و قریب را می‌پذیریم. اهداف غایی در صورتی قابل دستیابی هستند که اهداف میانی برآورده شوند و برای این مهم باید اهداف قریب یا اولیه اقتصادی هدف سیاست‌گذاران نظام اقتصادی قرار گیرند. ثانیاً تلاش شد قدر متقین مطالعات بر اساس نظر نگارندگان مورد لحاظ قرار گیرد تا هدف مطالعه حاضر برآورده شود. در عین حال که انجام مطالعات بیشتر در این زمینه ضرورت دارد.

بر اساس آنچه گفته شد، این اهداف به صورت ذیل بیان می‌شوند:

اهداف غایی: رفاه عمومی / کاهش فقر نکته قابل ذکر آن که کاهش فقر به دلیل اهمیت فوق‌العاده

آن در اسلام جزو اهداف غایی محسوب شده است و بحثی مستقل از رفاه است.

اهداف میانی: عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها و شکاف‌های طبقاتی / (توسعه و) رشد

اقتصادی (عمران و آبادانی) / حفظ محیط زیست (توسعه پایدار) / اشتغال کامل در غرب اشتغال کامل از آن جهت مطلوب است که موجب رشد افزون‌تر می‌شود، اما در اسلام بیکاری مذموم بوده و لذا خود اشتغال موضوعیت دارد.

اهداف قریب: امنیت اقتصادی / استقلال اقتصادی و عدم وابستگی (خودکفایی در تولید

کالاهای راهبردی) / ثبات اقتصادی (شامل ثبات قیمت‌ها) + عوامل خارج از حوزه اقتصاد مانند استقلال سیاسی و عدالت‌خواهی دولت)

جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری شامل تمام کتب درسی است که موضوع آن اقتصاد ایران است. برای یافتن عناوین این کتب، ابتدا از جستجو در کتابخانه چند دانشگاه استفاده شد. برای تشخیص موضوع هر کتاب، ادعای خود نویسندگان، که خود را در عنوان کتاب نشان می‌دهد، مد نظر قرار می‌گیرد. در مرحله بعد به محتوای کتاب‌ها رجوع شده و در صورتی که با محتوا همخوانی داشته باشد، جزو جامعه آماری محسوب می‌شود. مجموعه مقالات پراکنده یک نویسنده و مجموعه مقالات همایش‌های اقتصاد ایران حذف شدند. تنها استثناء کتاب مدارهای توسعه نیافتگی نوشته حسین عظیمی است که به عنوان کتاب اقتصاد ایران در بعضی از دانشگاه‌ها تدریس می‌شود و همچنین کتاب اقتصاد ایران نوشته نیلی و همکاران (۱۳۷۶). بدین ترتیب کتب جدول ۱ مورد بررسی قرار گرفتند. کتاب تحولات اقتصادی ایران که تحت دو عنوان (۱) و (۲) منتشر شده تنها یک عنوان منظور می‌شود. در عین حال دسترسی به چند کتاب میسر نشد که به عمومیت تحلیل آسیبی نمی‌زند چرا که کتب مورد نظر اساتید در تدریس درس اقتصاد ایران همگی در این نمونه وجود دارند.

جدول ۱. فهرست کتاب‌های اقتصاد ایران به ترتیب دوره بررسی یا تاریخ اولین انتشار

ردیف	نام کتاب	نویسنده	دوره مورد بررسی	کد کتاب
۱	گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران	جمالزاده، سید محمدعلی	اواخر دوره قاجار	جمال زاده
۲	تاریخ اقتصادی ایران: عصر قاجار، ۱۳۳۲ - ۱۳۱۵ ه.ق	عیسوی، چارلز فیلیپ، ویرایشگر	دوره قاجار	عیسوی
۳	اقتصاد ایران در قرن نوزدهم	سیف، احمد	ایران قرن نوزدهم	سیف
۴	اقتصاد ایران (۱۹۷۰-۱۹۰۰) = (۱۳۴۹-۱۲۷۹)	باری یر، جولیان	اواخر قاجار و دوره پهلوی	باری یر
۵	اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی	کاتوزیان، محمدعلی (همایون)	اواخر قاجار و دوره پهلوی	کاتوزیان
۶	زندگی اقتصادی ایران	فرهنگ، منوچهر	اواخر پهلوی	فرهنگ
۷	اقتصاد ایران زمین (اولین ویرایش کتاب با عنوان آشنایی با اقتصاد ایران در سال ۱۳۶۸ منتشر شده است)	رزاقی، ابراهیم	جمهوری اسلامی	رزاقی
۸	مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران	عظیمی، حسین	جمهوری اسلامی	عظیمی
۹	اقتصاد ایران	افتخاری، عبدالرضا	جمهوری اسلامی	افتخاری
۱۰	اقتصاد ایران	ابریشمی، حمید	جمهوری اسلامی	ابریشمی
۱۱	اقتصاد ایران	نیلی، مسعود و دیگران	جمهوری اسلامی	نیلی
۱۲	توسعه اقتصادی ایران	بهشتی، محمدباقر	جمهوری اسلامی	بهشتی
۱۳	تحولات اقتصادی ایران (۱) و (۲)	قنبری، علی و حسین صادقی	جمهوری اسلامی	قنبری
۱۴	اقتصاد ایران در تنگنای توسعه	زمانزاده، حمید و صادق الحسینی	جمهوری اسلامی	زمان زاده

منبع: تحقیق حاضر

کتاب‌های اقتصاد ایران: معرفی و تحلیل مختصر

۱. گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران در ابتدای قرن بیستم نوشته سید محمدعلی جمالزاده: این کتاب که به سفارش دولت آلمان در سال‌های ۸-۱۹۱۴ (یعنی حدود ۱۰۰ سال پیش) نوشته شده بی گمان قدیمی‌ترین کتاب اقتصاد ایران است. ویژگی اصلی این کتاب آن است که نویسنده خود در آن اقتصاد زندگی کرده است. این کتاب با رویکرد بخشی نوشته شده و البته بیشتر متمرکز بر کشاورزی و بازرگانی خارجی ایران است. در آن زمان صنعت جدید ایران بسیار محدود بوده چنان که وی نام حدود ۳۰ کارخانه را در سراسر کشور بر می‌شمارد که البته تعدادی از آنها کلاً تعطیل شده بوده است. در این زمان هنوز دوره صنایع دستی به سر نیامده است. از آنجا که جمال زاده اقتصاددان نبود، اگر چه به گفته خود مقداری اقتصاد خوانده است، کتاب از حد توصیف چندان فراتر نمی‌رود.

۲. تاریخ اقتصادی ایران نوشته چارلز عیسوی

این کتاب مفصل دارای رویکرد بخشی بوده و اقتصاد ایران در دوره قاجار را توصیف می‌کند. کتاب

جمع‌آوری و گزینش از میان آثار سایر محققان است و با این باور نوشته شده که بهترین راه برای بررسی تاریخ اقتصادی یک منطقه مطالعه مجموعه‌ای از اسناد و مدارک است. لذا این اثر مجموعه‌ای از مقالات منتخب و قطعاتی از اسناد، گزارش‌ها و کتبی است که جنبه‌های مختلف اقتصاد ایران شامل ساخت اجتماعی، تجارت خارجی، حمل و نقل، کشاورزی، صنعت، نفت، و مالیه عمومی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این کار دارای ۸۳ گزینش است که ۳۵ گزینش برای اولین بار در این کتاب چاپ شده است. لذا این کتاب نه یک ماده خام است و نه یک تألیف تمام عیار بلکه مقدمه‌ای مفید برای تألیف یک کتاب تاریخی اقتصادی است.

۳. اقتصاد ایران در قرن نوزدهم نوشته احمد سیف

این کتاب با رویکرد اقتصادی سیاسی نوشته شده است. نویسنده در این کتاب اقتصاد ایران در قرن نوزدهم را یک اقتصاد بیمار و پیشاسرمایه‌داری می‌داند که ساختار طبقاتی فئودالی ندارد و عمدتاً از طریق خودکامگی شاه اداره می‌شود. منشاء قدرت زمین‌داران نه از قبل رابطه‌شان با زمین (مانند فئودالان اروپایی) بلکه از قبل وابستگی‌شان به بوروکراسی خودکامه حاکم است. این نوع قدرت تقریباً هیچ ثباتی ندارد و این عدم امنیت موجب عدم سرمایه‌گذاری و در نتیجه فقر عمومی عمیق و گسترده می‌شود. در این قرن هیچ کاری بدون رشوه انجام نمی‌شود. شاه مالک و فعال مایشاء کشور و سرسلسله رشوه‌خواران است و امتیازات زیادی به روس و انگلیس می‌دهد. انقلاب مشروطه در واقع بازتاب بحران همه‌جانبه در ایران بود. به لحاظ اقتصادی اگر چه هنوز نفت کشف نشده اما اقتصاد به تمام معنا وابسته است. در سال‌های آغازین قرن نوزدهم، شاه‌رگ حیاتی اقتصاد به صدور طلا و نقره وابسته است. سپس صادرات ابریشم خام از گیلان، بعد پنبه سپس تریاک، بعد نوبت به قالی رسید و در نهایت نفت مسؤول تهیه ارز برای واردات کشور شد. با این توضیحات وی علت‌العلل مشکلات این قرن را خودکامگی شاه می‌داند.

۴. اقتصاد ایران نوشته باری یر

جولیان بارییر، نویسنده هندی تبار کتاب، نخستین بار در سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸) از ایران دیدن کرد و نزدیک به نیم یازده ساله بعد را در ایران گذراند. وی مطالعات وسیعی درباره اقتصاد ایران دارد و موضوع رساله دکترایش در دانشگاه لندن، تشکیل سرمایه در ایران در دوره ۱۹۶۵-۱۹۰۰ بوده است. کتاب اقتصاد ایران که برگرفته از رساله ایشان است، در سال ۱۹۷۱ به زبان انگلیسی منتشر شده و ترجمه فارسی آن در سال ۱۳۶۳ روانه بازار ایران شد. کتاب دارای رویکرد بخشی - تاریخی است و اگر چه تحلیل‌های نسبتاً غنی تری نسبت به سایر

کتب بخشی اقتصاد ایران دارد، اما توصیفی بودن کتاب به جای خویش باقی است و نویسنده تلاش می‌کند از قضاوت‌های ارزشی دوری کند. وی علت اصلی عقب افتادگی اقتصادی ایران را فرآیندهایی می‌داند که منجر به تشکیل سرمایه قابل توجه و مستمر در اقتصاد ایران نشده است.

۵. اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی نوشته محمدعلی همایون کاتوزیان

کتاب اقتصاد سیاسی ایران که نوشتن آن همزمان با انقلاب سال ۱۳۵۷ به پایان رسیده و در سال ۱۹۷۸ به انگلیسی منتشر شده، به بررسی شرایط اقتصاد سیاسی ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی می‌پردازد. نویسنده در این کتاب با کنار گذاشتن روش‌های تحلیلی مارکسیستی، که آن را ناسازگار با واقعیات جامعه ایرانی می‌داند، با استفاده از روش تحلیلی خاص خود با تأکید بر نقش گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف و احزاب نماینده این طبقات اجتماعی، نیروهای اثرگذار بر وقایع و ساختار اقتصاد سیاسی ایران در این دوره را بررسی می‌کند. از نظر نویسنده، استبداد نفتی نقشی اساسی در شکل دادن به مناسبات و ساختار اقتصاد سیاسی ایران داشته است. خاصیت اتکای صرف آخرین استبداد تاریخ ایران به درآمدهای نفتی به او این امکان را داده است تا خلاف انواع دیگر دولت‌های استبدادی گذشته، با قدرت و استقلال عمل بیشتری به دخالت و تغییر در ساختار اقتصاد سیاسی ایران بپردازد که اثرات زیان‌بارتری نیز داشته است.

نگارنده تاریخ اقتصادی-سیاسی کشور بعد از مصدق را به دو دوره دیکتاتوری و استبداد تقسیم می‌کند. در دوره دیکتاتوری، شاه همچنان درگیر منازعه قدرت با سایرین است. ترس شاه از نخست وزیر امینی و قدرت مالکان بزرگ نشان‌گر آن است که شاه هنوز قدرت را به صورت کامل قبضه نکرده است. در دوره دوم با کنار رفتن امینی، جلب همکاری و توافق با قدرت‌های خارجی (آمریکا و شوروی) و کاهش قدرت مالکان به دنبال اصلاحات ارضی و انقلاب شاه و مردم، استبداد شروع شده و شاه تنها قدرت مسلط بر کشور می‌شود. این قدرت با افزایش چندبرابری درآمدهای نفتی در سال‌های انتهایی حکومت شاه، به استبداد نفتی تبدیل می‌شود.

دیگر فصول کتاب به بررسی اثر این استبداد نفتی بر بخش‌های مختلف اقتصادی و نوع برنامه‌ریزی اقتصادی خاص این ساختار سیاسی می‌پردازد. بررسی سیاست‌های توسعه صنعتی، اصلاحات ارضی و تغییر ساختار کشاورزی از کشاورزی سنتی به شرکت‌های زراعی و کشت و صنعت، رشد شهرنشینی، شهرزدگی و مساله خدمات، و تجارت و روابط خارجی مهمترین حوزه‌های اقتصاد سیاسی ایران هستند که توسط دستگاه پر قدرت نفتی شاه متأثر شدند.

۶. زندگی اقتصادی ایران نوشته منوچهر فرهنگ

این کتاب اولین کتاب اقتصاد ایران است که توسط یک اقتصاددان ایرانی نوشته شده است. کتاب در سال ۱۳۵۰ منتشر شد و رویکرد عمده آن، بخشی - توصیفی است و تنها بخش‌های اندکی مانند فصل سوم تحلیلی است. قسمت نهم کتاب، دشواری‌های اساسی بر سر راه رشد صنایع و معادن ایران و علل داخلی و خارجی ترقی قیمت‌ها را بیان می‌کند. به صورت سنتی در مورد اشتغال هم بحث می‌کند اما آن هم ذیل بحث جمعیت به عنوان یکی از بخش‌های اقتصاد ایران قرار دارد.

۷. اقتصاد ایران نوشته ابراهیم رزاقی

این کتاب که ویرایش اول آن در سال ۱۳۶۸ تحت عنوان آشنایی با اقتصاد ایران منتشر شد، با داشتن ۱۱۰۴ صفحه مفصل‌ترین کتاب اقتصاد ایران است. رویکرد عمده کتاب بخشی است؛ البته فصل اول و ابتدای فصول کشاورزی و صنایع و معادن دارای بحث‌های تاریخی نیز هست. در فصل اول در حدود ۳ صفحه به نتایج امتیازات فراوان (حدود ۸۰ امتیاز) و نابرابری که ناصرالدین شاه در طول سلطنت ۵۰ ساله خود به غرب داد و موجب گسترش روزافزون نفوذ سیاسی - اقتصادی روسیه و انگلیس شد، بحث می‌کند. طبق معمول اشتغال ذیل جمعیت و نیروی انسانی و تنها در قالب اعداد بحث می‌شود. در فصل ۶ با عنوان حساب‌های ملی و نابرابری‌ها در حدود ۲۷ صفحه به نابرابری در توزیع درآمدها، هزینه‌ها و میان استان‌ها می‌پردازد. در فصل نظام پولی و بانکی (فصل ۷) در حدود ۴ صفحه به تأثیرات سوء اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تورم می‌پردازد. در انتهای فصل ۱۰ (صنعت نفت و گاز) در چند صفحه به نتایج وابستگی کشور به درآمدهای متغیر نفتی و تأثیرات نامطلوب آن بر اقتصاد و فرهنگ کشور را بیان می‌کند.

در فصل ۳ (بازرگانی خارجی)، در ۲ صفحه به ترکیب کیفی صادرات می‌پردازد و سیاست‌های صنعتی‌سازی گذشته را نقد می‌کند چرا که ارزبری فراوان و ارزآوری اندک دارد. صادرکنندگان با بهره‌گیری از رانت‌های گوناگون ثروتمند شده و کشور همچنان وابسته می‌ماند. هم چنین در قسمت بازرگانی خارجی به نقد اندیشه‌ای می‌پردازد که واردات را عامل توسعه بخش می‌داند. وی این تفکر را نتیجه رواج اندیشه خوداستعماری یعنی «حرکت در چارچوب ساختار اقتصادی شکل گرفته در دوران‌های گذشته» (ص ۹۵۶) می‌داند که نتیجه آن ماندگاری اقتصاد وابسته است.

بخش پنجم کتاب (حدود ۳۵ صفحه) به امپریالیسم و وابستگی می‌پردازد. در نهایت در پس گفتار کتاب تلاش می‌کند با رویکردی تحلیلی‌تر به مسائل و مشکلات اقتصاد ایران بپردازد.

۸. مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران نوشته حسین عظیمی

این کتاب که مجموعه‌ای از مقالات به اضافه مقدمه‌ای ۷۰ صفحه‌ای ویژه همین کتاب است، دارای رویکردی چندروشی است. از طرفی به بخش‌های مختلف اقتصادی ایران نظیر کشاورزی، صنعت و نفت، بودجه و مالیات‌ها می‌پردازد و از طرف دیگر نویسنده نیم‌نگاهی نیز به نظریه‌پردازی توسعه برای اقتصاد ایران دارد و طبق عنوان کتاب، کشور را دارای مدارهایی از توسعه نیافتگی می‌داند که باید گسسته شوند. در عین حال نویسنده با نگاهی انسانی به مسأله فقر می‌پردازد و این کار را با نقل خاطره‌ای از مهاجران زابلی فقیر پنبه‌کار در اوایل انقلاب و مشکلات و مصائب آنان انجام می‌دهد که در نوع خود بی‌نظیر است. مشکل اصلی این کتاب آن است که بر خلاف نظریه‌های تقلیل‌گرا که تمایل دارند مشکل عدم توسعه یک کشور را به یک تک عامل منتسب سازند، نظریه ایشان تا حدی عام‌گرا است و عوامل زیادی را برای توسعه بر می‌شمارد از جمله انباشت سرمایه، مدیریت و نظام اقتصادی مناسب، آموزش‌های مناسب توسعه‌ای، فرهنگ مناسب، حفظ ثبات نظام. همچنین ۱۵ نهاد توسعه‌ای بر می‌شمارد که برای نیل به توسعه باید ایجاد شده یا تقویت شوند مانند دموکراسی، نهاد قضایی، رسانه‌های جمعی، آموزش عالی، احزاب سیاسی؛ بدون آن که تقدم و تأخری برای آنها قائل شود. مثل آن که بیماری از دردهای گوناگون شکایت کند و پزشک بجای کشف علت العلل بیماری‌ها، برای هر بیماری وی دارویی تجویز کند.

نکته قابل توجه کتاب، لحن تلخ و ناامید کننده کتاب است که آن را برای تدریس به عنوان یک کتاب درسی نامناسب می‌سازد.

۹. اقتصاد ایران نوشته عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و علی دینی ترکمانی

کتاب دارای رویکرد بخشی است اما به اهداف نظام اقتصادی اسلام نیز اشاراتی دارد. مثلاً در فصل صنعت به وضعیت صنعت از دیدگاه میزان وابستگی پرداخته است. بخشی به تحریم اقتصادی و جنگ تحمیلی در بازرگانی داخلی پرداخته است. همچنین از محاصره اقتصادی و تأثیر آن در بازرگانی خارجی نیز بحث شده است. در بخش ۳-۱۱ (کشاورزی)، به جایگاه کشاورزی در حصول خودکفایی اقتصادی و استقلال اقتصادی از منظر قانون اساسی پرداخته است.

۱۰. اقتصاد ایران نوشته حمید ابریشمی

کتاب دارای رویکرد بخشی است اما اشارات اندکی به اهداف نظام اقتصادی اسلام نیز دارد. مثلاً در بخشی به وابستگی صنایع مخصوصاً صنایع بزرگ به ماشین‌آلات، کالاهای واسطه‌ای و حتی مواد خام به خارج اشاره می‌کند که در زمان مضمیقه ارزی موجب رکود می‌شود (مانند رکود سه ساله از

سال ۱۳۶۷) (ص ۳۲). فصل نهم به بحث توزیع درآمدها و آثار آن در حیات اقتصادی جامعه اختصاص دارد. در فصل سیاست‌های تعدیل مصرف به خوبی متوجه این نکته شده که مصرف کالای کشور بیش از توان تولید داخلی است که در درازمدت منجر به خروج سرمایه و کاهش تولید می‌شود. لذا لازم است الگوی مصرف کشور تغییر یابد. فصلی نیز به تخریب منابع طبیعی پرداخته که اگرچه کم حجم است اما در جای خود غنیمت است.

۱۱. اقتصاد ایران مجموعه مقالات نوشته نیلی و دیگران

این کتاب شامل ۸ مقاله است که توسط نویسندگان مختلف نوشته شده و بیشتر رویکرد کمی و تکنیکی دارد و کمتر تحلیل‌های خود نویسنده را در بر دارد. هدف این کتاب ارائه تصویری کاربردی از اقتصاد کلان ایران با مد نظر قرار دادن ملاحظات نظری است. برای این کار مقالات تلاش نموده‌اند ضمن برخورداری از غنای نظری و استفاده از آمار و ارقام بهنگام، از جدیدترین و پیشرفته‌ترین فنون اقتصادسنجی نیز بهره ببرند. یک فصل کامل از کتاب به بررسی تحولات فقر، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی اختصاص دارد که در کتب اقتصاد ایران کمتر اتفاق می‌افتد. یک فصل کامل نیز به بازار کار، اشتغال و بیکاری (فصل ۵) اختصاص دارد که بحث اشتغال و بیکاری را مطابق تحلیل‌های اقتصاد نئوکلاسیکی در قالب بازار تحلیل کرده و از جنبه‌های انسانی آن سخنی به میان نمی‌آورد. در ۲ صفحه از فصل ۷ نیز به نتایج سیاست‌های تعدیل بر عدالت اجتماعی می‌پردازد.

۱۲. توسعه اقتصادی ایران نوشته محمدباقر بهشتی

نویسنده در مقدمه اشاره می‌کند که کتاب برای درس اقتصاد ایران و با زاویه توسعه اقتصادی نوشته شده است. بدین دلیل یک سوم حجم کتاب به مباحث نظری اختصاص دارد. در فصل سوم به بررسی تحولات اقتصاد ایران در قرون نوزدهم و بیستم پرداخته و ریشه‌های توسعه نیافتگی را در بی‌لیاقتی و ناآگاهی حاکمان و دخالت‌های مکرر بیگانگان می‌داند. اما فصول بعد بیشتر حالت توصیفی پیدا کرده و به برنامه‌ها، راهبردها و شاخص‌های توسعه می‌پردازد. شاخص‌های فقر و محرومیت، توزیع درآمد و بیکاری از جمله شاخص‌های مورد بررسی نویسنده هستند.

۱۳. تحولات اقتصادی ایران (۱) و (۲) نوشته قنبری و صادقی

این دو کتاب که باید آن را یک کتاب محسوب کرد، روی هم رفته ۹۱۰ صفحه حجم دارند. جلد اول عمدتاً رویکرد بخشی دارد. فصل اول به تاریخ اقتصادی ایران پرداخته و الگوی رشد وابسته درآمدهای نفتی و انحطاط کشاورزی در دوره پهلوی را توضیح می‌دهد. اشتغال مانند بقیه ذیل فصل جمعیت و نیروی انسانی مورد بحث قرار می‌گیرد.

جلد دوم چشم به تحلیل‌های و برنامه‌های پژوهشی جدید در اقتصاد دارد. یازده فصل این کتاب به ترتیب عبارت‌اند از: سرمایه اجتماعی، محیط زیست و توسعه پایدار، اقتصاد غیر رسمی (سایه‌ای)، سیاست‌های رشد و توسعه اقتصادی، جهانی شدن، ساختار بازارها در اقتصاد ایران، فرار نخبگان، اقتصاد سیاسی، فقر، عدالت اجتماعی و توزیع درآمد، توسعه انسانی در ایران. همان گونه که این عناوین نشان می‌دهد حداقل چهار فصل به اهداف اقتصاد اسلامی اختصاص دارند.

۱۴. اقتصاد ایران در تنگنای توسعه نوشته حمید زمان زاده و صادق الحسینی

این کتاب جدیدترین کتاب در زمینه توسعه اقتصادی در ایران است که به پرسش‌هایی نظیر این که چرا ایرانیان در کشاکش تاریخ عقب ماندند و چه عواملی در این عقب ماندگی دخیل بودند پاسخ می‌دهد. بجز تاریخ توسعه، کتاب با اتکا به نظریات جدید اقتصاد سیاسی به طرح یک چارچوب تحلیلی همت می‌گمارد. با این چارچوب تحلیلی، نویسندگان سعی می‌کنند تا چگونگی گذار از وضعیت فعلی به سوی توسعه را توضیح دهند. برای این کار در بخش اول کتاب (شامل ۴ فصل) به مباحث نظری در زمینه نظام‌های اقتصادی و برتری نظام بازار آزاد بر نظام برنامه‌ریزی متمرکز پرداخته و در بخش‌های بعد به تفسیر واقعیات اقتصاد ایران در پرتو این نظریه و ارائه راه حل برای مشکلات توجه می‌کنند. با هدف تحلیل بهتر، اقتصاد ایران به دو سطح ساختاری و عملکردی تقسیم می‌شود. در سطح ساختاری به بحث‌های تاریخی، توسعه‌ای و نهادی پرداخته می‌شود و در بحث عملکردی بحث‌ها بیشتر مبتنی بر چگونگی عملکرد اقتصاد ایران و آرایه راهکارهایی جهت بهبود این عملکرد از وضعیت حداقلی به وضعیت حداکثری است.

روش تحلیل و امتیازدهی به کتب

راه‌های زیادی برای اندازه‌گیری و آزمون صفات و کیفیات مختلف در علوم انسانی وجود دارد که از جمله آن‌ها طراحی مقیاس‌ها است. مقیاس‌ها مبتنی بر نظریه مقیاس‌بندی هستند که خود شاخه‌ای از نظریه اندازه‌گیری است و بر روش‌های آماری و منطقی استوار بوده و اعداد مورد نیاز برای نمایش ویژگی‌های مختلف یک صفت را مشخص می‌کنند. هدف نظریه مقیاس‌بندی، ایجاد

مقیاس‌های مناسب به صورت مجموعه‌ای از اندازه‌های سازمان‌یافته است که همه آن‌ها یک صفت یا ویژگی را اندازه‌گیری می‌کنند (مقدم، ۱۳۸۸).

از جمله این مقیاس‌بندی‌ها، که مناسب مقاله حاضر است، مقیاس فاصله‌ای است. ویژگی عمده این مقیاس آن است که به ارزش‌های آن نمره عددی تعلق می‌گیرد. بدین دلیل، گویه‌ها باهم قابل مقایسه هستند. این مقیاس در تحلیل محتوای کتب اقتصاد ایران برای اندازه‌گیری شدت پرداختن این کتب به یک هدف مورد استفاده قرار می‌گیرد. با استفاده از این مقیاس، امکان مقایسه گویه‌ها با یکدیگر و محاسبه میانگین امتیازات برای محقق فراهم می‌شود.

کتاب‌ها در سه بخش اهداف غایی، میانی و قریب با استفاده از مقیاس ۳ سطحی (قوی، متوسط، ضعیف) امتیازدهی می‌شوند. پرداختن به یک موضوع در صورتی قوی ارزیابی می‌شود که حداقل یک فصل بدان اختصاص یافته باشد. در این حالت ۲ امتیاز دریافت می‌کند. در صورتی که معادل قسمتی از یک فصل باشد، متوسط بوده و ۱ امتیاز گرفته و در حد چند خط و کمتر، ضعیف ارزیابی شده و امتیازی نمی‌گیرد. هر کتاب در ۹ گویه ارزیابی می‌شود و لذا حداکثر امتیاز برابر ۱۸ است. نتایج تحلیل کتب در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. امتیاز کتاب‌های ایران به اهداف غایی، میانی و قریب

مجموع امتیازات	اهداف قریب			اهداف میانی				اهداف غایی		کتاب	ردیف
	نیات اقتصادی (شامل نیات قیمت‌ها)	استقلال اقتصادی و عدم وابستگی	امنیت اقتصادی	اشتغال کامل	حفظ محیط زیست	رشد اقتصادی	عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها	کاهش فقر	رفاه عمومی		
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	بخشی	۱ جمال‌زاده
۹	۲	—	۲	—	—	—	۲	۲	۱	بخشی (در یک دوره تاریخی نسبتاً ایستا)	۲ عیسوی
۱۳	—	—	۲	۲	۱	—	۲	۲	۲	اقتصاد سیاسی (در یک دوره تاریخی نسبتاً ایستا)	۳ سیف
۸	۱	—	۱	۱	—	۲	—	۲	۱	بخشی (در یک دوره تاریخی نسبتاً ایستا)	۴ باری بر
۲	—	—	—	۱	—	—	—	۱	—	اقتصاد سیاسی / تاریخی	۵ کاتوزیان
۵	۱	—	—	۲	—	۲	—	—	—	بخشی	۶ فرهنگ
۱۰	۲	۲	—	۲	—	۲	۲	—	—	عمدتاً بخشی / بعضی اوقات اقتصاد سیاسی	۷ رزاقی
۱۴	۲	۲	۱	۲	—	۲	۱	۲	۲	بخشی / تا حدی با صبغه اقتصاد سیاسی	۸ عظیمی
۷	۲	—	—	۱	—	۲	۱	—	۱	بخشی	۹ افتخاری
۹	۲	۱	—	۲	—	۲	۱	۱	—	بخشی	۱۰ ابریشمی
۱۲	۲	—	—	۲	—	۲	۲	۲	۲	بخشی / تحلیل سیاست‌ها	۱۱ نیلی
۸	—	—	—	۲	—	۲	۲	۲	—	نظری / تاریخی / بخشی	۱۲ بهشتی
۱۰	—	—	—	۲	۲	۲	۲	۲	—	بخشی / تحلیل بعضی از اهداف نظام اقتصادی	۱۳ فنبیری
۸	۲	—	—	۲	—	۲	۱	۱	—	نظری	۱۴ زمان زاده
	۱۶	۵	۶	۲۱	۳	۲۰	۱۶	۱۷	۹		مجموع امتیازات
	۱/۱۴	۰/۳۶	۰/۴۳	۱/۵	۰/۲۱	۱/۴۳	۱/۱۴	۱/۲۱	۰/۶۴		متوسط امتیازات

منبع: نتایج تحقیق

جمع‌بندی تحلیل کتاب‌ها

با تحلیل ۱۴ کتاب در قالب یک بخش معرفی و تحلیل مختصر و یک بخش کمی، نتایج ذیل به دست آمد:

۱. کمترین امتیاز به کتاب جمال‌زاده تعلق دارد که فاقد امتیاز است و پس از آن کاتوزیان که تنها ۲ امتیاز دارد. جمال‌زاده اقتصاددان نبوده و هدفش نیز تحلیل اقتصاد ایران نبوده اما عدم توجه وی

- به فقر گسترده و وابستگی اقتصادی - سیاسی کشور تعجب‌برانگیز است.
۲. بیشترین امتیاز برابر با ۱۴ به عظیمی تعلق می‌گیرد که دغدغه‌مندانه مباحث زیادی را پوشش می‌دهد و پس از آن به سیف با ۱۳ امتیاز. دلیل این امر شاید رویکرد تا حدی چپ‌گرایانه ایشان باشد. با این وجود کتاب مربوط به ایران در قرن نوزدهم است و نوشتن کتابی با این ویژگی‌ها برای ایران معاصر دشوارتر است.
 ۳. از بین اهداف بیشترین امتیاز به اشتغال کامل تعلق دارد که متوسط آن ۱/۵ از ۲ (۷۵ درصد) است و پس از آن رشد اقتصادی با ۱/۴۳. کمترین امتیاز به محیط زیست با ۰/۲۱ (۱۰ درصد) و پس از آن استقلال اقتصادی با ۰/۳۶ (۱۸ درصد).
 ۴. متوسط امتیاز اهداف غایی، میانی و قریب به ترتیب برابر است با: ۰/۹۳، ۰/۸۹ و ۰/۶۴ از ۲. به عبارت دیگر در کتب اقتصاد ایران، اهدافی که می‌توانند اهداف عالی‌تر همچون کاهش فقر یا رشد را به بار آورند، کمتر مورد توجه هستند.
 ۵. متوسط امتیاز هر کتاب ۸/۰۷ یعنی کمتر از نصف است که نشان دهنده قابل قبول نبودن وضعیت عمومی کتب اقتصاد ایران است.
 ۶. کتاب اقتصاد ایران برای یک دوره ۱۰۰ ساله در مقایسه با مثلاً حوزه اقتصاد کلان که تنها پس از انقلاب اسلامی تعداد زیادی کتاب در آن تألیف شده، اندک است. ^۱. کتب تحلیلی‌تر، همچون کاتوزیان (۱۳۷۲) و سیف (۱۳۷۳)، نیز مربوط به اقتصاد قبل از انقلاب هستند.
 ۷. نیمی از کتب صرفاً دارای تحلیل بخشی هستند. این کتب صرفاً توصیفی هستند و نه تنها تلاشی برای ارائه راه حل برای مشکلات اقتصادی نمی‌کنند، بلکه بعضاً حتی به وجود مشکلات نیز اشاره نمی‌کنند.
 ۸. کتب بخشی دارای منطق خاصی در تبویب مباحث خود نیستند. چنان که بعضاً مباحث مربوط به اهداف یک نظام، مانند کاهش فقر و پایداری محیط زیست، در کنار بخش‌های اقتصادی همچون کشاورزی و صنعت آمده است.
 ۹. بهترین رویکرد برای تحلیل اقتصاد ایران رویکرد سیاسی - نهادی است، چرا که نویسنده با اتخاذ مواضع به سمت نظریه‌پردازی رفته و برای حل مشکلات به ارائه راه حل مبتنی بر نظریه خود می‌پردازد. اما رویکرد توصیفی بعضاً با ورود به جزئیات زیاد، خواننده را از دستیابی به یک تصویر کلان هم محروم می‌کند. اگر چه در واقع کتب اقتصاد سیاسی هم وضعیت مناسبی ندارند.
 ۱۰. بجز موضوع نظریه‌پردازی، رویکرد اقتصاد سیاسی زاویه درستی را برای تحلیل برگزیده است؛ چرا که حجم عظیم دولت در اقتصاد ایران، موجب تأثیر بسیار زیاد دولت و سیاست‌های آن بر حوزه

۱. تا سال ۱۳۸۷ بیش از ۳۰ کتاب تألیف شده است. رجوع کنید به بخش منابع واعظ برزانی و مقدم (۱۳۸۷).

اقتصاد می‌شود.

۱۱. تنها کتاب اقتصاد سیاسی کاتوزیان دارای نظریه متمایز و مختص ویژگی‌های اقتصادی ایران است ولی دارای دو مشکل مهم است: اولاً مربوط به قبل از انقلاب اسلامی است؛ ثانیاً سلبی است و معلوم نیست با کنار گذاشتن مستبد نفتی اقتصاد بتواند بر مشکلات خود غلبه کند.

۱۲. از آنجا که دانش اقتصادی در ایران وارداتی است، تحلیل اقتصادی مناسبی برای مشکلات اقتصاد ایران صورت نگرفته است. زمانی سیاست‌های اقتصادی کینزی برای اقتصاد ایران تجویز می‌شود و زمانی سیاست‌های آزادسازی لیبرال - سرمایه‌داری. شاید عدم ورود نویسندگان به مباحث تحلیلی و ارائه راه حل نتیجه این تشتت آراء باشد.

۱۳. یکی از نقدهای عمومی به کتب اقتصاد ایران آن است که معمولاً به دنبال نقد بخش پولی و مالی از منظر تأمین ارزش‌ها و اهداف اقتصاد اسلامی نیستند.

۱۴. در عمده کتاب‌ها اهداف اقتصادی صریحاً مطرح نشده‌اند؛ اما به صورت ضمنی نشان دهنده پذیرش پارادایم رشد‌محور در الگوهای توسعه بوده و لذا رشد اقتصادی را هدف اصلی اقتصاد ایران می‌دانند. حتی در جاهایی که نیروی کار نیز مطرح است به دلیل اهمیتی است که در رشد اقتصادی دارد و نه موضوعیت داشتن خود اشتغال.

۱۵. جالب‌ترین نکته در این کتاب‌ها، عدم توجه به انقلاب اسلامی و تأثیراتی است که باید در حوزه اقتصاد داشته باشد. مثلاً آیا نظریه استبداد نفتی کاتوزیان به فرض صحت، پس از انقلاب نیز دارای صحت است و تنها حاکمان عوض شده‌اند یا پیچیدگی‌های بیشتری پیدا کرده است.

۱۶. در یک کلام می‌توان گفت وضعیت کتب اقتصاد ایران تأسفبار است. رویکرد توصیفی توان رسیدن به نتایج مشخص قابل استفاده را ندارد و کتب رویکرد تحلیلی نیز ناامید کننده هستند چرا که امید به آینده در خواننده را با سیاه‌نمایی وضع موجود و عدم ارائه راه حل مشخص و شدنی می‌کشند.

۱۷. با توجه به وضعیت ناگوار کتب موجود اقتصاد ایران، الگوی مطرح شده برای تدوین چنین کتابی، که مبتنی بر ایده انتخاب یک کتاب مناسب اولیه و ایجاد تغییرات لازم در آن است، قابلیت کاربرد ندارد.

۱۸. در مجموع می‌توان گفت تمام این کتب فاقد یک الگوی مفهومی در خصوص اقتصاد ایران هستند؛ به طوری که این الگو نشان دهد اولاً چرخه موجود فعالیت اقتصادی در ایران چگونه است و ثانیاً زمینه‌ها و بسترهای خروج از این چرخه و ورود به یک چرخه متعالی اقتصادی چیست.

پیشنهادات

بهتر است یکی از مراکز پژوهشی اقتصادی مانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تدوین یک کتاب دارای رویکرد بخشی حاوی مهم‌ترین آمارهای اقتصاد ایران و تحلیل مختصری از روندهای رشد آنها را عهده‌دار شده و آن را سالانه به روزرسانی کند.

الف) به نظر می‌رسد پژوهش‌های تاریخی موجود کافی نیستند و هنوز زوایای زیادی از تاریخ اقتصادی ایران وجود دارند که به خوبی کاویده نشده‌اند؛ مثلاً وابستگی کشور در دوره‌های مختلف به ارز ناشی از صدور یک کالای خام که سیف (۱۳۷۳) مطرح می‌کند. بهتر است اقتصاددانان معتقد به اهداف نظام اقتصاد اسلامی بخش‌هایی از این تاریخ را که حاوی تأییدات بیشتری برای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است، مورد پژوهش قرار دهند. مثلاً شرکت‌های تأسیس شده توسط علمای اصفهان در دوره مشروطه و نقش آن در کاهش وابستگی هنوز از حوزه تاریخ وارد حوزه پژوهش‌های تاریخ اقتصادی نشده است.

ب) تحقیق حاضر با مقیاس ۳ سطحی انجام پذیرفت. مقیاس ۵ سطحی دقیق‌تر است اما نیازمند مطالعه‌ای در حد پایان‌نامه کارشناسی ارشد است. همچنین در چنین پایان‌نامه‌ای بهتر است یک فصل کامل به استخراج اهداف نظام اقتصادی اسلام و رتبه‌بندی آنها اختصاص یابد. به علاوه باید نسبت بعضی از موضوعات اقتصادی نظیر توسعه انسانی با این اهداف نیز معلوم شوند.

ج) تألیف کتابی دارای رویکرد ترکیبی یعنی رویکرد تاریخی - بخشی - نهادی، بهترین کار برای تألیف یک کتاب اقتصاد ایران اسلامی است. البته بحث تحلیل بخش‌ها و تاریخ اقتصادی هر کدام در حد یک فصل کفایت می‌کند. یک فصل نیز باید به نفت و نقش آن در توسعه ایران بپردازد. جایگاه انقلاب اسلامی و نقشی که می‌تواند در توسعه ایران بازی کند، حتماً باید مد نظر قرار گیرد.

د) با مطرح شدن اقتصاد مقاومتی، لازم است اقتصاددانان دلبسته به آرمان‌های انقلاب به تألیف کتاب اقتصاد ایران اسلامی مبتنی بر این ایده روی بیاورند.

منابع و مأخذ

- ابریشمی، حمید (۱۳۷۵). اقتصاد ایران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- افتخاری، عبدالرضا و علی دینی ترکمانی (۱۳۷۱). اقتصاد ایران. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- باری یر، جولیان (۱۳۶۳). اقتصاد ایران (۱۹۷۰-۱۹۰۰) = (۱۳۴۹-۱۲۷۹). ترجمه مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه. تهران: موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه.
- بهشتی، محمدباقر (۱۳۸۳). توسعه اقتصادی ایران. تبریز: دانشگاه تبریز. پژوهشکده حوزه و دانشگاه (۱۳۷۹). مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: سمت.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۶۲). گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران. تهران: کتاب تهران.
- سیدنزاد، سیدصادق (۱۳۹۰). جهاد اقتصادی (در اندیشه حضرت امام خمینی رحمه الله)، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- سیف، احمد (۱۳۷۳). اقتصاد ایران در قرن نوزدهم. تهران: نشر چشمه.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۹۲). اقتصاد ایران زمین. تهران: نشر نی.
- زمانزاده، حمید و صادق الحسینی (۱۳۹۱). اقتصاد ایران در تگنای توسعه. تهران: نشر مرکز.
- صادقی، حسین و علی قنبری (۱۳۸۸). تحولات اقتصادی ایران (۲). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- عظیمی، حسین (۱۳۷۱). مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.
- عیسوی، چارلز فیلیپ (۱۳۶۲). (ویرایشگر). تاریخ اقتصادی ایران: عصر قاجار، ۱۳۳۲ - ۱۲۱۵ ه. ق. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۵). سیاست‌های اقتصادی در اسلام. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فرهنگ، منوچهر (۱۳۵۰). زندگی اقتصادی ایران. تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- قنبری، علی و حسین صادقی (۱۳۸۶). تحولات اقتصادی ایران (۱). تهران: سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها).
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- مقدم، وحید (۱۳۸۸). ارزیابی پیشرفت علمی مطالعات اقتصاد کلان ایران در دوره ۸۶-۱۳۷۹: یک رویکرد روش‌شناختی. پایان نامه دکتری اقتصاد. دانشگاه اصفهان.

- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۸). نقدی بر اهداف نظام سرمایه‌داری از دیدگاه اسلام. کتاب نقد، سال سوم، ش ۱۱. صص ۸۷-۶۴.
- (۱۳۸۰). اسلام و نظام اقتصادی. فصل‌نامه اقتصاد اسلامی، سال اول، ش ۳، صص ۱۰۸-۹۱.
- (۱۳۸۱). مبانی فلسفی نظام اقتصادی اسلام از دیدگاه امام خمینی - خدانشناسی، فصل‌نامه اقتصاد اسلامی، سال اول، ش ۴، صص ۳۴-۲۷.
- (۱۳۹۰). نظام اقتصادی اسلام (مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق). تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نیلی، مسعود و دیگران (۱۳۷۶). اقتصاد ایران. تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی توسعه.
- واعظ برزانی، محمد و وحید مقدم (۱۳۸۷). طرح تحقیقاتی ارزیابی تلفیقی کتب اقتصاد کلان ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (انتشار نیافته).
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۶). نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی). تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Romer, David (2012). *Advanced Macroeconomics*, 4th Ed., The McGraw-Hill Publisher.

The Evaluation of Iran Economy Books Based on the Targets of Islamic Economic System